

بسمه تعالی



دانشگاه اراک

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه جهت دریافت کارشناسی ارشد رشته تاریخ (گرایش ایران دوره اسلامی)

عنوان پژوهش:

غرب از منظر نخبگان ایرانی در عصر ناصرالدین شاه

استاد راهنما:

دکتر عبدالله متولی

استاد مشاور:

دکتر علی اصغر میرزایی

پژوهشگر:

افروز کونانی

سال تحصیلی ۱۳۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

غرب از منظر نخبگان ایرانی در عصر ناصرالدین شاه

دانشجو

افروز کونانی

پایان نامه

ارائه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته

تاریخ ایران دوره اسلامی

از

دانشگاه اراک

اراک-ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه:

دکتر عبدالله متولی (استاد راهنما و رئیس کمیته)

دکتر علی اصغر میرزایی استادمشاور

دکتر ابراهیم اصلانی استاد داور

پاییز ۱۳۹۱

چکیده:

جریان روشنفکری ایران در عصر ناصرالدین‌شاه به عنوان یک مجموعه فرهنگی، سیاسی حول محور زمینه-سازی برای سیطره فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی غرب‌زدگی شبه‌مدرن و تحکیم بنیان‌های نفوذ و پشتوانه‌های تئوریک گسترش یافته است. در این جریان گروه‌های مختلف اجتماعی با منشاءهای طبقاتی متفاوت و پیشینه‌های تاریخی متنوع وجود دارند، در جمع اعضای این جریان می‌توان از طیفی از درباریان و دولتمردان قاجاری و سرمایه‌داران وابسته نوظهور، روزنامه‌نگاران، رمان‌نویسان، شاعران ناسیونالیسم وجود دارند. روشنفکران طبقه‌ای نوپا در عرصه‌ی گفتمان‌های فرهنگی و سیاسی در جامعه ایران در عصر ناصرالدین‌شاه بودند، اینان نوعاً تجددخواه و طالب تغییرات اساسی در ساختار سیاسی و اجتماعی حاکم بر ایران بودند. روشنفکران عصر ناصری استبداد سلطنتی را دشمن آزادی، برابری و برادری و جزم‌اندیشی مذهبی را مخالف طبیعی تفکر عقلانی و علمی و امپریالیسم خارجی را استعمارگر سیری‌ناپذیر کشورهای عقب‌مانده‌ای مثل ایران می‌دانستند و در کلام و شعارهای خود از ان بی‌زاری می‌جستند آنان به دنبال آموزش به سبک غربی و جایگزینی آن با شکل سنتی آن بودند. طبقه روشنفکر مشروطیت، سکولاریزم و ناسیونالیسم را سه ابزار کلیدی برای ساختن جامعه‌ای نوین، قدرتمند و توسعه‌یافته به شمار می‌آوردند. و روشنفکران دینی این عصر علاوه بر این ابزار، ابزارهای دیگری هم، مانند سنت‌گرایی و دین‌گرایی را برای رسیدن به پیشرفت را بهترین راه درمان می‌دیدند.

روشنفکران بر این باور بودند که مشروطیت سلطنت ارتجاعی را از بین خواهد برد. و سکولاریزم نفوذ محافظه‌کارانه روحانیون را نابود خواهد کرد و ناسیونالیسم ریشه‌های استثمارکننده امپریالیسم را می‌خشکاند. روشنفکران ایرانی در عصر ناصرالدین‌شاه به سبب نداشتن مبانی نظری قوی و در نتیجه هرج و مرج‌های استراتژیک، نتوانستند راه خود را با موفقیت طی کنند و فعالیت‌های آن‌ها به علت ایجاد موانع مختلف پیش‌رو به سرانجام نرسید.

واژگان کلیدی: نخبه، روشنفکر، تجدد، قانون، آزادی، فراماسونری، مدرنیسم.

سپاسگزاری:

قبل از همه از تو سپاسگزارم ای یگانه‌ی مهربان که در لحظه‌ی لحظه‌ی کار، یاور و پناه من بوده‌ای. و در تاریکی‌ها و گره‌ها، چراغ رحمت راهبرم بوده و نگاه بنده‌ی نوازت یاورم. ای پاک رئوف، نادانی‌هایم را به نگاه رافتت ببخش و از تاریکی جهل و کفر به روشنی دانایی و ایمان هدایت‌م فرما. آمین

با عنایت خالصانه‌ترین سپاس‌ها، تشکر می‌کنم از استاد عزیز دکتر عبدالله متولی به خاطر تمام راهنمایی‌های ارزنده و مفیدشان و تمام صبر و حوصله‌ای که به خرج دادند مفتخرم از الطاف نامحدود استاد گرانمایه، جناب آقای دکتر علی‌اصغر میرزایی سپاس- گذاری نمایم، که فراتر از مشاوره پایان‌نامه با صبر فراوان مرا یاری فرمودند. باشد که نتوان از لطف بی- دریغ ایشان در پیشبرد گامهایی به سوی هدایت مفاهیم چشم‌پوشی نمود.

تقدیم به:

مادری که عنوان عاشقانه‌ترین شعر خداست

و

**پدری که می‌بخشد بی‌دریغ و دوست می‌دارد بی‌چشم
داشت...**

به:

**همسر مهربانم و فرزندان دلبندم حمیدرضا و احمدرضا
به پاس وقت‌هایی که دوستانه برای نوشتن این اثر
ارزائیم داشتند.**

فهرست مطالب

عنوان.....	
چکیده.....	

کلیات پژوهش

مقدمه.....	۶
بیان مسئله.....	۶
اهمیت و ضرورت پژوهش.....	۸
سؤالات پژوهش.....	۹
فرضیات پژوهش.....	۹
تعاریف مفاهیم و واژگان.....	۱۰
روش پژوهش.....	۱۲
متغیرهای مورد پژوهش.....	۱۲
روش جمع‌آوری داده‌ها.....	۱۲
روش تجزیه و تحلیل داده‌ها.....	۱۲
محدودیت و موانع پژوهش.....	۱۲
پیشینه و سوابق پژوهش.....	۱۳

فصل اول: زمینه‌های آشنایی ایرانیان با تمدن و فرهنگ غرب از آغاز قاجاریه تا دوره

ناصرالدین شاه و بررسی آراء تنی چند از روشنفکران این دوره

۱-۱- زمینه‌های آشنایی ایرانیان با تمدن و فرهنگ غرب در زمان آقامحمدخان قاجار.....	۱۶
۱-۲- زمینه‌های آشنایی ایرانیان با تمدن و فرهنگ غرب در زمان فتحعلی‌شاه قاجار و بررسی آراء چند تن از نخبگان روشنفکر این دوره.....	۱۸
۱-۲-۱- تبادل سفرا در عهد فتحعلی‌شاه قاجار.....	۱۹
۲-۲-۱- آشنایی با فناوری‌های نو.....	۲۰
۳-۲-۱- غرب نماد اصلاحات مدرن (عباس‌میرزا).....	۲۱
۴-۲-۱- غرب نماد آزادی معاشرت زن و مرد (میرزا عسکرخان افشار ارومی).....	۲۴
۵-۲-۱- غرب نماد تجدد و آزادی (میرزا ابوالحسن خان ایلچی).....	۲۵
۳-۱- زمینه‌های آشنایی ایرانیان با تمدن غرب در زمان محمدشاه قاجار.....	۲۷
۱-۳-۱- غرب نماد افکار آزادی‌خواهانه (میرزا صالح شیرازی پدر روزنامه‌نگاری شبه مدرنیستی).....	۲۸

فصل دوم: غرب از منظر روشنفکران قاجاری تبار در عصر ناصرالدین شاه

- ۳۲..... بررسی اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران و اروپا در عصر ناصرالدین شاه.....
- ۳۶..... ایجاد گفتمان انتقادی در عصر ناصری.....
- ۳۸..... ۱-۲- غرب نماد پیشرفت و نفی استبداد(ناصرالدین شاه).....
- ۳۹..... ۱-۱-۲- ناصرالدین شاه و مجامع فراماسونری در این عصر.....
- ۴۰..... ۲-۱-۲- ناصرالدین شاه و مصلحت‌خانه به عنوان تقلیدی از غرب.....
- ۴۱..... ۳-۱-۲- ناصرالدین شاه و فراموش‌خانه تقلیدی از غرب.....
- ۴۳..... ۴-۱-۲- ناصرالدین شاه و عکاسی به عنوان شاهی عکاس.....
- ۴۳..... ۵-۱-۲- بررسی کتب و نشریات در دوره ناصرالدین شاه.....
- ۴۵..... ۲-۲- غرب نماد آزادی زنان(تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین شاه قاجار).....
- ۴۸..... ۳-۲- غرب نماد افکار ناسیونالیستی شووینیستی(جلال‌الدین میرزا قاجار).....

فصل سوم: غرب از منظر روشنفکران دیوان سالار در عصر ناصرالدین شاه

- ۵۲..... ۱-۳- غرب نماد اصلاحات مضبوط همه‌جانبه(میرزا تقی خان امیرکبیر).....
- ۵۷..... ۲-۳- غرب نماد تحرک، تجدد، ترقی(میرزا حسین خان سپهسالار).....
- ۶۰..... ۳-۳- غرب نماد حکومت پارلمانی و قانون(مجدالملک سینکی).....
- ۶۱..... ۴-۳- غرب نمادی برای سازش فلسفه سیاسی اروپا و حکمت دینی آسیا(میرزا ملکم خان).....
- ۶۸..... ۱-۴-۳- ملکم و دو رویه فراموشخانه‌اش(پخش اندیشه‌های نو و تطهیر استعمار).....
- ۶۹..... ۵-۳- غرب نماد آزادی و امنیت اجتماعی(میرزا یوسف خان مستشارالدوله).....
- ۷۲..... ۱-۵-۳- مستشارالدوله و آشنایی با تمدن مغرب زمین و تحول فکری او.....
- ۷۳..... ۲-۵-۳- مستشارالدوله و طرح رسمی قانون اساسی.....
- ۷۴..... ۳-۵-۳- مستشارالدوله و قانون به عنوان اساس اقتدار و ثروت ملل.....
- ۷۶..... ۴-۵-۳- مستشارالدوله و سرمایه‌گذاری صنعتی به تقلید از غرب.....
- ۷۶..... ۵-۵-۳- مستشارالدوله و عضویت در محافل فراماسونری.....
- ۷۸..... ۶-۳- غرب نماد تجدد و تحجر و ترقی(امین‌السلطان).....
- ۷۹..... ۷-۳- غرب نماد لیبرالیسم همه جانبه(اعتمادالسلطنه).....
- ۸۱..... ۸-۳- غرب نماد مشروطه طلبی(مشیرالدوله).....
- ۸۱..... ۹-۳- غرب نماد سکولاریسم و لیبرالیسم(امین‌الدوله).....
- ۸۳..... ۱۰-۳- غرب نماد سرمایه‌داری صنعتی(صنیع‌الدوله).....

فصل چهارم: غرب از منظر روشنفکران نویسنده و بازرگانان و سیاحان

در عصر ناصرالدین شاه قاجار

- ۱-۴- غرب نماد جدایی دین از سیاست (طالب‌آف)..... ۸۷
- ۲-۴- غرب نماد حکومت مشروطه و اصلاح طلبی (زین‌العابدین مراغه‌ای)..... ۹۳
- ۳-۴- غرب نماد مدنیت و ترقی (میرزا آقاخان کرمانی)..... ۹۸
- ۴-۴- غرب نماد عقلگرایی و بی‌دینی (میرزا فتحعلی آخوندزاده)..... ۱۰۱
- ۵-۴- غرب نماد ترقی و آزادی (حاج سیاح)..... ۱۰۷
- ۶-۴- غرب نماد عملگرایی (احمد روحی)..... ۱۰۸

فصل پنجم: غرب از منظر روشنفکران دینی در عصر ناصرالدین شاه قاجار

- ۱-۵- غرب نماد دو رویه مثبت ترقی و پیشرفت و منفی، استعمار و استثمار (سیدجمال‌الدین اسدآبادی)..... ۱۱۱
- ۱-۱-۵- سیدجمال‌الدین اسدآبادی و ارنست رنان..... ۱۱۲
- ۲-۱-۵- سیدجمال‌الدین و روزنامه‌ها و نشریات..... ۱۱۳
- ۳-۱-۵- دیدگاه سیدجمال‌الدین در مورد میرزای شیرازی..... ۱۱۴
- ۴-۱-۵- سیدجمال‌الدین و نیچریه..... ۱۱۵
- ۵-۱-۵- سیدجمال‌الدین و بیداری ادبی جهان عرب به شیوه جدید..... ۱۱۶
- ۶-۱-۵- سیدجمال‌الدین و فراماسونر..... ۱۱۷
- ۲-۵- غرب نماد دموکراسی و آزادی خواهی اسلامی (شیخ هادی نجم آبادی)..... ۱۱۹
- ۳-۵- غرب نماد آزادی و عدالت اجتماعی (طباطبایی)..... ۱۲۵
- نتیجه‌گیری ۱۲۸
- منابع و مأخذ..... ۱۳۳
- واژه‌نامه ۱۴۲

مقدمه

تصور معمولی ما از ایران عصر قاجار در یک جامعه بسته و عقب مانده خلاصه می‌شود، که در آن تغییر و تحول چندانی اتفاق نیافتاده، الا در یکی و دو دهه پایانی آن، که نهضت مشروطه به وقوع می‌پیوندد. در بخش دیگر تصورمان از آن جامعه، در نفوذ و سلطه قدرت‌های استعماری با همه تبعات زیانبار آن خلاصه می‌شود. اما بر خلاف این تصور، ایران عصر قاجار علی‌الخصوص دوره ناصرالدین شاه قاجار، آن قدرها هم، که فکر می‌کنیم جامعه‌ای صامت و ثابت و بدون تغییر و تحول نبوده است. در حد خود در آن جامعه تغییر و تحولات نسبتاً قابل توجهی اتفاق افتاده و ایران در عصر ناصرالدین شاه از پویایی خاصی برخوردار بوده است. از جمله مهم‌ترین جریاناتی که در این عصر به وجود آمده، فکر تغییر و تحول و اندیشه اصلاح و ترقی بود. از همان ابتدا برخی از رجال آگاه قاجاریه پی بردند که جامعه‌شان چه میزان عقب مانده می‌باشد. و در جوامع دیگر چه تغییر و تحولاتی رخ داده است، فکر اصلاحات و نوسازی و رواج تفکرات آزادمنشانه، به سبک و سیاق غرب پدید آمد. این تحولات مقارن حاکمیت قاجارها اتفاق افتاد و اگر چه منجر به نتایج قابل توجهی نشد اما کمابیش با شدت و ضعف ادامه یافت. پژوهش حاضر به بررسی افکار و نظریات صاحب‌نظران و روشنفکران نخبه‌ای پرداخته است که نظام اندیشه و فرهنگ ایرانی را در گذر زمان به تکاپو وا داشته و آن را پذیرای تحول و تغییر در سیر تاریخی کرده‌اند. آن‌ها با گذار از اندیشه‌ها و افکار مألوف و سنتی جامعه دست به آفرینش نظام فکری تازه‌ای زدند و راه را برای تولید و شکل‌گیری شیوه‌های نوین اندیشه و فرهنگ و ... هموار کرده‌اند.

عمده کار این پژوهش بررسی آراء و افکار نخبگان روشنفکری است که تلاش‌های زیادی برای بیداری افکار اقشار مختلف مردم ایران زمین در دوره ناصرالدین شاه قاجار به عمل آورده‌اند و این که این روشنفکران جزء چه قشر و طیفی از جامعه بوده‌اند؟ چرا به وجود آمده‌اند؟ هدف موردنظرشان چه بوده است؟ و در خاتمه بررسی آراء و اندیشه نواندیشانی است که سرافرازی میهن را می‌خواستند به واسطه تقلید همه جانبه از شئون و اصول غربی.

بیان مسئله

نخبگان هر جامعه از اعضای ممتاز آن جوامع بوده و صاحبان قدرت و تجربه هستند و مردم از آن‌ها پیروی و اطاعت کرده و بدین ترتیب به خاطر نظرات آن‌ها تغییر و توسعه در جوامع به وجود می‌آید و در پژوهش حاضر به این دلیل که بررسی غرب را از دیدگاه نخبگان عصر ناصرالدین شاه مورد بررسی قرار خواهد گرفت، ما با طیفی وسیع از نخبگان، روبه‌رو هستیم که می‌توان به آن‌ها عنوان منورالفکر یا روشنفکر اطلاق نمود. منورالفکری ایران، در عصر ناصری پدیده‌ای بود که متعلق به شرایط فرهنگی ویژه‌ای بود که در جهت‌گیری‌های فکری خود نگاهی عمیق به غرب داشت، بدون این که مبانی مدنیت نوین را که متکی بر تجدد بود،

بشناسد لازم به ذکر است معمولاً روشنفکران این عصر از اعضای لژهای فراماسونری بودند. تولد روشنفکری در ایران عصر ناصرالدین شاه نتیجه آمد و شد هیأت‌های اروپایی و ارتباط تنی چند از نخبگان ایرانی و رفت و آمد آنان به ویژه طبقه اشراف به غرب و نیز اعزام محصل و هنرآموز و سفیر بدان‌جا، تأسیس روزنامه و مدارس جدید از یک سو و رقابت‌های سیاسی و اقتصادی اروپائیان برای توسعه نفوذ خود در ایران که باعث گسترش افکار جدید به سبک و سیاق غربی در کشور شد، می‌باشد.

شکست‌های پی‌درپی از قدرت‌های غربی و احساس عقب‌ماندگی باعث ایجاد فکر چاره به همان سبک و سیاق غربیان برای جبران این کمبودها شد. روشنفکران ایران در دوره ناصری کسانی بودند که به اروپا رفته و یا می‌رفتند و یا نوشته‌های آن‌ها را می‌خوانند و لذا با پیشرفت‌های آن‌ها آشنا می‌شدند و خود را در مقابل آن ناتوان و حقیر می‌دیدند و به تقلید صرف از آن‌ها روی آوردند. روشنفکران عصر ناصری بجز سیدجمال-الدین اسدآبادی و تنی چند از عالمان دینی، که راه علاج را در اتحاد اسلام و اجرای احکام اسلامی و استفاده از فناوری‌های نوین و مفید غربی می‌دانستند. همگی تقلید صرف و کورکورانه را از نسخه غربی‌ها را توصیه می‌کردند.

روشنفکری در عصر ناصرالدین شاه قاجار به عنوان اصلی‌ترین جریان فرهنگی و به تبع آن سیاسی، مبلغ اندیشه‌های ترقی‌خواهانه و شبه مدرنیستی در ایران است. همان‌طوری که در جریان پژوهش خواهد آمد، غرب‌دیدگان ایرانی از افشار مختلف مردم بودند. آن‌ها از شاه و شاهزاده تا عالمان و تجار بودند. فصل مشترک بین همه این اشخاص این بود که اینان نمایندگان خواسته یا ناخواسته ملت ایران، دست به مقایسه ملت و کشور خود با فرنگستان می‌زدند و در نهایت دغدغه پیشرفت و ترقی مملکت خویش را در دل می‌پروراندند. اما آنچه میان این روشنفکران غرب‌دیده فرق می‌گذاشت و آن‌ها را از هم جدا می‌نمود رویکرد آن‌ها به دنیای غرب و ریشه‌یابی و راه‌حل‌های مشکلات و عقب‌ماندگی‌های ایران و ملت ایران بود. در واقع به بیان روشن سؤالات اساسی که ذهن برخی از روشنفکران این عصر را به خود مشغول نموده بود، عبارت بوده از این‌که: علت عقب‌ماندگی ایران چیست؟ علت تفوق و برتری غربیان و رمز موفقیت آن‌ها چیست؟ ما چگونه می‌توانیم عقب‌ماندگی‌های خود را جبران نماییم؟

روشنفکران مهم‌ترین عامل بیداری دولت و ملت در عصر ناصرالدین شاه قاجار بوده‌اند و از این نظر بررسی تاریخ منورالفکری و روشنفکری در ایران تفاوتی با تاریخ قاجاریه علی‌الخصوص عصر ناصرالدین شاه قاجار به عنوان نقطه اوج افکار ترقی‌خواهانه و آزادمنشانه ندارد.

بررسی و تحلیل میزان سهم و نقش روشنفکران ایرانی در وقایع و رویدادهای سیاسی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی در دوره‌های مختلف تاریخ معاصر ایران زمین، یکی از مهم‌ترین مباحث و مسائل تاریخ‌نگاری ایران است مطالعه و بررسی این مسئله علاوه بر کمک به تکمیل دانسته‌ها و اطلاعات علاقه‌مندان و دانش‌پژوهان به تصویری گویا و روشن از جایگاه و نقش این قشر نوپا در جامعه‌ی عصر ناصری منجر می‌شود. این پژوهش

بر آن است که با بررسی نقش روشنفکران در عصر ناصرالدین شاه قاجار و میزان تأثیر ورود روشنفکران نوگرا در پیامدهای مختلف ایجاد شده در ایران و تأثیر رفتارها و گرایش‌های آن‌ها در هدایت و یا ضلالت مملکت به عرض علاقه‌مندان و پژوهشگران گرامی برساند و این‌که شرایط موجود در جامعه‌ی آن عصر چگونه بوده است که گروهی به عنوان روشنفکر و منورالفکر از وضعیت موجود انتقاد کنند و موجب تغییر در نگرش مردم نسبت به وضعیت موجود در جامعه شوند؟

گرچه در مورد روشنفکران و برخی فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آنان در دوره قاجار تحقیقاتی صورت گرفته است. اما در این پژوهش سعی شده است تا با ارائه مطالب کلیدی و دسته‌بندی شده اطلاعات جامع و روشنگری در ارتباط با قشر روشنفکر ایرانی را در دوره ناصرالدین شاه قاجار، در اختیار جامعه‌ی علمی قرار دهد. از طرف دیگر آن‌چه پرداختن به این موضوع را ضروری می‌نماید، این مسئله است که تاریخ دوره ناصرالدین شاه قاجار بخش مهم و قابل ملاحظه‌ای در تاریخ ایران را شامل می‌شود و از مهم‌ترین بخش‌های آن چگونگی حضورطیف گسترده‌ای از روشنفکران غرب دیده در این عصر است و از سوی دیگر بررسی دقیق و همه جانبه تاریخ روشنفکری در ایران دوره‌ی ناصرالدین شاه قاجار به عنوان نقطه‌ی اوج رواج افکار ترقی‌خواهانه مهم و ضروری به نظر می‌رسد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه به این‌که قشر روشنفکر، قشری نوپا و بی‌سابقه در فرهنگ و تمدن ایران زمین می‌باشد. و تأثیرات بسیار ماندگاری در تاریخ ما داشته، دانستن فراز و نشیب این قشر و محاسن و معایب آن برای قشر فرهیخته‌ی ایرانی که پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ می‌خواهد لباس روشنفکری بر تن نماید، می‌تواند راهنمای مناسبی باشد. لذا چگونگی آغاز روشنفکری در عصر ناصری و تأثیر و تأثرات روشنفکری در این دوره اهمیت زیادی را برای اهل تحقیق در علوم سیاسی و تاریخ دارد.

هدف پژوهش

آشنایی با تاریخ روشنفکری در ایران عصر ناصری و پی بردن به ریشه‌های آن و موقعیت و جایگاه روشنفکری و مشخص کردن میزان نقش این قشر نوپا در تحولات دوره‌ی موردنظر است.

سؤالات پژوهش:

هر پژوهشی صرفاً دارای یک سؤال تحقیقی است که مرکز ثقل و کنجکاوی تحقیق را نشان می‌دهد طرح سؤال تحقیق باعث ایجاد نهایت تمرکز در فرآیند تحقیق می‌شود این کار باعث می‌شود که مواد خام جمع‌آوری شده در سبدهای مخصوص خود گردآوری شده و محقق در جریان کار خود به افق‌های گوناگون کشیده می‌شود.

سؤال اصلی:

که به مثابه قلب و راهنمای تحقیق است در این پژوهش عبارتست از:

- چه عواملی در ناکامی روشنفکران در روند توسعه و ترقی ایران در دوره‌ی ناصرالدین شاه سهم داشته‌اند؟

سوالات فرعی:

این سوالات از دل سؤال اصلی و به منظور شفاف نمودن آن مطرح می‌شود.

سوالات فرعی این پژوهش عبارتند از:

الف) چه عواملی زمینه‌ساز ظهور نوگرایی و تقویت اندیشه‌ی تجددخواهی در ایران در دوره‌ی ناصرالدین شاه شده است؟

ب) غفلت روشنفکران دوره ناصرالدین شاه از سرمنشأ اصل بی‌قانونی یعنی حاکمیت استبدادی چه نقشی در ناکامی روشنفکران در روند ترقی و تجددخواهی ایران ایفا کرد؟

ج) چه عواملی سبب‌ساز حضور روشنفکران در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و ... در دوره‌ی ناصرالدین شاه قاجار شده است؟

د) گرت‌برداری و تقلید صرف از غرب چه تأثیری در روند ناکامی روشنفکران در عصر ناصر داشت؟

فرضیات پژوهش:

فرضیه اصلی:

- ویژگی‌های روشنفکران و طرز فکر آنان به خصوص در مورد غرب و فرهنگ ایرانی و فقدان اجماع‌نظر در خصوص مسائل کلان کشور از جمله مهم‌ترین عوامل شکست آنها در راه ارتقاء سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور بود.

فرضیات فرعی:

الف) گسترش افق دید ایرانیان بر اثر سفر به اروپا و توسعه جریان ترجمه و چاپ کتاب می‌توانست زمینه‌ساز ظهور نوگرایی شود.

ب) همکاری روشنفکران با دستگاه‌های دولتی نمی‌توانست در روند ترقی رو به جلو ایران کارساز باشد.

ج) وجود وابستگی‌های فکری روشنفکران و اندیشه‌های غربی.

د) تقلید صرف از غرب و غفلت از سنت و فرهنگ بومی باعث ناکامی در روند نوسازی و نوگرایی ایران در عصر ناصر گردید.

تعاریف مفاهیم و واژه‌گان:

نخبه: نخبه‌گان از اعضای ممتاز جوامع هستند آن‌ها صاحبان قدرت و علم و تجربه هستند و مردم از آن‌ها پیروی کرده و بدین ترتیب به خاطر نظرات آن‌ها تغییر و توسعه در جوامع به وجود می‌آید نخبگان می‌توانند از هر قشری باشند.

روشنفکر: واژه‌ی روشنفکر برگردان فارسی یک لغت لاتین است که در فرانسه به «آنتلکتوتل» "intellectual" و در انگلیسی آن را «اینتلکچوال» "intellectual" می‌خوانند (خرم‌شاد، محمدباقر، روشنفکری و روشنفکران در ایران در سه حرکت، ۱۳۸۲، شماره ۴۰). روشنفکری از نظر تاریخی به آراء فلاسفه عصر روشنگری در اروپا بر می‌گردد و روشنفکری به عنوان نگاه مدرن به حوزه‌های مختلف مطرح می‌شود. عصر روشنگری که فیلسوفان قرن هیجدهم مطرح کردند، در مقابل عصر تاریکی یا قرون وسطی قرار می‌گرفت. برجسته‌ترین ویژگی آن از نظر فلاسفه قرون هیجده و نوزده همانا اصالت دادن عقل و فهم بشری بود که در قالب مکاتب و نظام‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف انسانی توسعه یافت. (کانت، ایمانوئل و دیگران، روشنگری چیست، ۱۳۷۶، ص ۲۶). در ایران روشنفکر ابتدا به کسی اطلاق می‌شد که با درک عقب-ماندگی‌های جامعه ایران، از پیشرفت‌ها و دستاوردهای تمدنی غرب، نسخه‌ای غربی برای تمدن و تجدد در ابعاد مختلف ارائه می‌کرد. و در راه تحقق آن به تلاش فکری و عملی می‌پرداخت این افراد بدون توجه به زمینه‌های فرهنگی و تاریخی ایران و ساختار متفاوت آن با جوامع غربی به تبلیغ غرب‌گرایی پرداختند و به تقلید غرب، خردگرایی روشنفکران در مقابل مسیحیت و حاکمیت کلیسا قرار داشت، دین و فرهنگ سنتی را به عنوان موانع مدرنیسم معرفی کردند.

مطابق برخی تعاریف روشنفکر کسی است که در جامعه‌ی خویش به خودآگاهی رسیده و این خودآگاهی را به عنوان رسالتی به متن جامعه منتقل می‌کند.

روشنفکری در معنای عامیانه و رایج آن مترادف با داشتن تحصیلات و آگاهی‌دهی جدید می‌باشد. اما در معنای تخصصی که در این رساله مبنای دیدگاه ما از روشنفکری است. روشنفکری عبارت است از: جهان‌نگری و اندیشه‌ای است که تبلور روح اومانیستی و سکولاریستی مدرنیته در دوران تثبیت آن (دوران موسوم به عصر روشنگری) می‌باشد.

آزادی: اندیشه‌ی آزادی به معنای سیاسی و اجتماعی ابتدا در غرب در دوره‌ی رنسانس آغاز شد و به مرور توسط عناصر تأثیرگذار (دیوانیان، روحانیان و روشنفکران) وارد جامعه‌ی ایران شد، توسط همین عناصر مفهوم‌سازی و بومی‌سازی آن آغاز و ترویج گردید. (در دوره‌ی قاجار) و همین امر موجب ایجاد تحول ذهنی و فکری در ایران و در بین نخبگان شد.

تجدد: تجدد یعنی نو شدن، تازه شدن، طرفدار امر تازه بودن، به نوپیی و تازگی گراییدن و پذیرش هر عنصری که نوین و تازه باشد.

از نظر اصطلاح عرفی تجدد تقلید سبک زندگی غربی و کنار گذاشتن شیوه‌های رفتار سنتی جامعه‌ی خود و تغییر راه و روش و لباس مصرفی و سنتی به غربی است متجدد شدن یعنی شبه اروپایی شدن و شکل‌های زندگی و کالاهای جدید صادر شده از غرب را مصرف کردن. تجدد گرایشی است به پذیرفتن کورکورانه هر چه از غرب وارد شود و مارک غربی داشته باشد. در اصطلاح کسی را متجدد می‌گویند، که ارزش‌ها و هنجارها و راه و رسم غربیان را در پیش بگیرد به طور کلی می‌توان گفت که تجدد پدیده‌ای است نه مربوط به اندیشه و تفکر بلکه مربوط به مصرف کالاهای غربی. (نقوی، علی محمد، جامعه‌شناسی، ۱۳۸۷: ص ۷۸).

فراماسونری: واژه فراماسونری مرکب از دو واژه Free و mason است. که به معنای بنیان‌آزاد است یعنی فقط بنیان‌آزاد عضو آن بودند و برحسب بعضی فرضیات و تحقیقات افرادی چون نمرود، مانی، فیثاغورث، موسی و سلیمان را از بنیانگزاران فراماسونری می‌دانند. و به صورت سری و مخفیانه بوده است در فراماسونری نوین که از انگلستان آغاز شده و این سازمان از طریق هندوستان وارد ایران شده است. هدف سازمان‌های فراماسونری عبارتست از تزکیه نفس از راه خدمت به مردم و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌نمایند. طبق شعار آزادی، مساوات و برادری. و چه خوب در ایران برابر این شعار عمل کرده‌اند و این شعار درست عکس اعمال و هدف‌های آنان بوده است. و اساس کار فراماسون‌ها در هر زمان و هر کشوری بهره‌جویی و بهره‌یابی از مردم بوده است. سیاست فراماسونری هیچ‌گاه در مورد ایران نقش نیکخواهانه و اصلاح‌طلبانه نداشته بلکه فریب و تزویر اساس کار بود تا مردم را در عقب‌ماندگی و بی‌خبری نگاه دارند بسیاری از ایرانیانی که در دوره قاجار وارد انگلستان شدند آموزش ماسونی یافتند و در جهت مخالف خواست توده‌های مخالف قرار گرفتند (مدنی، جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ۱۳۸۰، صص ۷۷-۸۷).

روش پژوهش:

روش پژوهش در این تحقیق توصیفی - تحلیلی و تاریخی بوده است که با اتکاء به مطالعه متون و تحلیل محتوا و استفاده از تکنیک کتابخانه‌ای در جمع‌آوری اطلاعات استوار بوده است.

متغیرهای مورد پژوهش:

متغیرها در واقع صف‌بندی علت و معلول‌ها را معرفی می‌نمایند که به دو دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

الف) متغیر مستقل:

متغیر مستقل پیش فرض است و از طریق آن تغییرات متغیر وابسته اندازه‌گیری و تعیین می‌شود که در این پژوهش عبارت است از: آراء و نظرات نخبگان عصر ناصری

ب) متغیر وابسته:

متغیری است که مشاهده و اندازه‌گیری می‌شود تا تأثیرات متغیر مستقل بر آن معلوم گردد و به این دلیل وابسته نامیده می‌شود و وجود آن وابسته به متغیر مستقل است بنابراین متغیر وابسته در این پژوهش غرب و غرب‌گرایی نخبگان ایرانی است.

روش جمع‌آوری داده‌ها:

در پژوهش پیش‌رو استفاده از متون کتابخانه‌ای و ابزار موردنظر عمدتاً فیش‌برداری بوده است

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر استفاده از اطلاعات تولیدشده قبلی و موجود می‌باشد. (تحلیل ثانویه).

محدودیت‌ها و موانع پژوهش:

انجام هر کار پژوهشی با موانع و مشکلات خاصی روبه‌رو است و تشخیص و بیان این محدودیت‌ها و موانع بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که توجه به این محدودیت‌ها محقق را در دفاع از یافته‌هایش مجهزتر می‌کند ضمناً بیان محدودیت‌های پژوهش کمک بزرگی به سایر محققینی است که قصد انجام تحقیق در زمینه‌های مرتبط با موضوع را دارند در مورد این پژوهش منابع و تحقیقات جامع و کامل به گونه‌ای مستقل وجود داشت اما به لحاظ تطبیق فکری مسائل تاریخی این پژوهش با مسائل فکری لازم آن زمان بسیاری صرف غوطه در منابع فکری عصر ناصری و مشروطه نموده و وقت زیادی جهت مطالعه آثار آن روشنفکران متفکر صرف نموده شد و فرصت زیادی صرف پیدا کردن اسناد و مدارک دسته اول شده است. که این اسناد در کتابخانه‌ی ملی و کتابخانه‌ی مجلس بوده و باید در همان جا مورد استفاده قرار گرفته می‌شد و امانت داده نمی‌شد.

پیشینه و سوابق پژوهش:

منابع و تحقیقات جامع و کاملی که به گونه‌ای مستقل به نقش نخبگان و روشنفکران در عصر موردنظر باشد کافی و قابل توجه است. در راستای مطالعه و تحقیق موضوع موردنظر چند دسته از اطلاعات و منابع راهگشا هستند.

۱- منابع دسته اول مربوط به دوره قاجار

۲- تحقیقات و پژوهش‌های مورخان ایرانی

۳- تحقیقات و پژوهش‌های اروپائیان

۴- روزنامه‌ها و مجلات

۵- اسناد و مدارک آرشیوی

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین منابع در آگاهی بر هر دوره‌ی تاریخی منابع دسته اول است که استفاده از آن در بررسی‌های تاریخی در دوره‌ی قاجار نیز به وجود تعداد قابل ملاحظه‌ای از این منابع برای آگاهی و اشراف به این دوره سودمند است. منابع دسته اول این دوره در یک تقسیم‌بندی به منابع فارسی و غیر فارسی تقسیم می‌شود. منابع فارسی که نویسندگان آن وابسته به دربار بوده‌اند و به شکل مستقل و یا در مخالفت با طبقه حاکم به نگارش در آمده‌اند که در پوشش دادن به سیر وقایع و حوادث موردنظر مؤثر هستند و از این میان می‌توان به آثار محمدحسن خان اعتمادالسلطنه چون تاریخ منتظم ناصری و صدرالتواریخ و یا اثر لسان الملک سپهر به نام ناسخ‌التواریخ و اثر کسروی به نام تاریخ مشروطه‌ی ایران و تاریخ بیداری ایرانیان اثر ناظم‌الاسلام کرمانی اشاره کرد در این دسته از منابع و بخصوص از منابع غیردرباری اشاره‌های زیادی به زندگی اقشار مختلف جامعه وجود دارد که از خلال آن می‌توان درباره‌ی اوضاع روشنفکران و نخبگان عصر ناصری مطالبی را بدست آورد. منابع دسته اول غیرفارسی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع این دوره بشمار می‌رود عمده‌ترین این منابع سفرنامه‌ها و یا خاطرات کسانی است که جهت مأموریت‌های سیاسی و اقتصادی به ایران می‌آمدند و درباره‌ی حکومت و اوضاع ایران در دوره‌ی موردنظر آثاری تألیف می‌نمودند می‌توان گفت دوره‌ی قاجار به لحاظ کمیت و کیفیت این آثار بخصوص از اوایل قرن نوزدهم به بعد از دوره‌های پر تألیف و پربار می‌باشند از جمله این گروه از آثار می‌توان به کتاب‌های تاریخ ایران اثر سرپرسی سایکس، خاطرات کلنل کاساکوفسکی اثر کاساکوفسکی، و یا تاریخ ایران در دوره‌ی قاجاریه اثر گرانت واتسون اشاره کرد. دسته دیگر از کتاب و منابعی که در این رساله مورد استفاده قرار گرفته است تحقیقات و پژوهش‌های نویسندگان فارسی زبان و اروپایی است. مطالعه‌ی این پژوهش‌ها و تحقیقات این امکان را می‌دهد تا با دیدگاه‌ها و نظرات و نقادی‌های نویسندگان مختلف درباره‌ی موضوعات مختلف آشنا شده و از میان این آثار می‌توان به آثار آجودانی به نام مشروطه‌ی ایرانی، اثر خسروپناه به عنوان هدف‌ها و مبارزه‌ی زن ایرانی از مشروطه تا سلطنت پهلوی، حامدالگار با کتاب نهضت بیداری در اسلام و اثر ابراهامیان به نام ایران بین دو انقلاب اشاره داشت.

روزنامه‌ها و مجلات به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع دوره قاجار که سابقه آن به عصر محمد شاه قاجار باز می‌گردد از جمله منابع جهت نگارش این رساله بوده است در دوره قاجار روزنامه‌های مختلفی در ایران و خارج از ایران به چاپ می‌رسیده است که در آن‌ها وقایع گوناگون به خوبی منعکس شده است و گروه‌های مختلف فکری جهت نشر آراء و اندیشه‌های خود یا اطلاع‌رسانی مناسب از وقایع و حوادث به چاپ روزنامه و مجلات می‌پرداختند و از دیگر آثار مورد استفاده به آثار روشنفکران این دوره مثل آثار میرزا ملکم‌خان ناظم-

الدوله و آثار میرزا آقاخان کرمانی و سیاحت‌نامه‌های سیاحان روشنفکر این دوره مانند سیاحت‌نامه ابراهیم-
بیک و آثار دیگر روشنفکران اشاره کرد.

فصل اول:

زمینه‌های آشنایی ایرانیان با تمدن و فرهنگ
غرب از آغاز قاجاریه تا دوره ناصرالدین‌شاه و
بررسی آراء تنی چند از نخبگان در این دوره

پیشگفتار:

در عهد نادرشاه و جانشینان او به علت جنگ‌هایی با همسایگان و زد و خوردهای داخلی و بی‌ثباتی سیاسی ایران، ارتباط اروپائیان با کشور ما کمتر شد ولی به هر حال دنباله‌ی آشنایی‌ای که ایران با تمدن اروپایی در عهد صفویه پیدا کرده بود ادامه یافت. به اقتضای جهان‌گشایی و سیاست نظامی نادر، خارجی‌هایی که در خدمت دولت ایران بودند، غالباً متخصصین نظامی از قبیل مهندسين و توپ‌چیان بودند. اما در این میان امری که مهم‌تر شمرده می‌شود توجه نادرشاه است به ساختن کشتی در ساحل دو دریای مازندران و بوشهر و ایجاد کوره‌ای در نزدیکی آمل برای ذوب آهن، گلوله و خمپاره‌سازی. (رضوانی، محمداسماعیل، انقلاب مشروطیت ایران، ۱۳۵۲، ص ۲۸).

مهم‌ترین قدم در راه آشنا شدن ایرانیان با تمدن جدید و معارف اروپایی در دوره قاجاریه برداشته شد، چه در این دوره بود که ایران بدون واسطه با سیاست اروپایی روبه‌رو شد. و به عبارت بهتر به دامن سیاست اروپایی افتاد و در اندک زمانی فهمیدند که آمادگی مقابله با آن را ندارند و باید خود را به سلاح تمدن جدید مجهز سازند. توسعه وسایل ارتباط و بسط دامنه سیاست‌های استعماری مانع از این گشت که ایران بتواند در گوشه‌ای از دنیا با سنن باستانی و کهن خویش به زندگانی ادامه دهد و از بدبختی، دولت‌های بزرگ آن زمان هم قوت خود را در ضعف این کشور دیدند و در این راه به دست خویش و بیگانه از هیچ کوششی فرو گذاری نکردند. (همان منبع، ص ۳۲).

۱-۱- زمینه‌های آشنایی ایرانیان با تمدن غرب در زمان آقامحمدخان قاجار

قبل از بحث در اصل موضوع لازم است اصولاً طرز تفکر علمی نخبگان و شرایط اجتماعی، به طور کلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد تا امکان نمایاندن نفوذ تمدن غرب در ایران بهتر عملی گردد. تحقق یافتن تحولات اجتماعی و پیشرفت و ترقی جامعه‌ی بشری در مسیر تمدن جدید نتیجه افکار بلند متفکران و دانشمندان و نخبگان و فداکاری رهبران سیاسی ممالک و محصول مبارزات اجتماعی پردامنه و کشمکش‌های طولانی است. اگر به تاریخ علم مراجعه شود علت این پدیده مهم اجتماعی دنیای امروز، یعنی اختلاف بین اوضاع اجتماعی و اقتصادی کشورهای جهان و به عبارت دیگر پدیده مهم عقب‌افتادگی به خوبی روشن می‌شود. با امعان نظر به آن چه که گذشت اضافه می‌شود که ما اکنون وارد بخشی می‌شویم که می‌خواهیم بیان نماییم که کشور ما در چه وضعی بوده و نخبگان سیاسی ما چگونه وضعی داشتند و چگونه با تمدن پیشرفته غرب آشنا شده و میزان پذیرایی این تمدن پیشرفته در اجتماع ما تا چه حدودی بوده است و چه چیزهایی را از تمدن اروپایی آخذ و اقتباس نموده‌ایم و نتایج این آشنایی با تمدن پیشرفته غرب چه بوده است؟ (برزگر، مینودخت، زمینه آشنایی ایرانیان با تمدن غرب، ۱۳۴۶، ص ۴۳).

آقامحمدخان قاجار بعد از مرگ کریم‌خان در سال ۱۷۷۹ پس از شانزده سال تاخت و تاز بی‌ثمر و کشتار فراوان در ذیقعدۀ ۱۲۰۹ ه. در تهران به تخت سلطنت نشست از زمان سلطنت وی میزان ارتباط و نفوذ اروپا در ایران زیادتر می‌شود. چون خصوصیات خلقی رهبران رژیم‌های استبدادی نشانی از وضع عمومی ملت را بیان می‌کند و افراد اجتماع ناچارند در چنین حالتی غیر از تبعیت صرف چیزی از خود بروز ندهند. (شمیم، علی‌اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، ۱۳۷۵، ص ۴۶). و در این جا ابتدا به داستانی که بیانگر خصوصیات خلقی آقامحمدخان است پرداخته می‌شود تا حقیقت این ادعا روشن گردد خود آقامحمدخان زمانی که تحت نظر کریم‌خان در شیراز به سر می‌برد چنین می‌گوید: «... خان، (منظور کریم‌خان) گاهی مرا برای مشورت در کارهای عمومی کشور می‌خواست من در مشورت خیانت نمی‌کردم زیرا سلطنت را خاص خود، می‌دانستم ولی از زیر جبهه با چاقوی قلم‌تراش فرش‌های زیر پای خود را پاره می‌کردم و حالا می‌بینم که با او دشمنی نکردم فرش‌های پاره خودم به خودم رسیده است و خود کرده را تدبیر نیست...» (برزگر، مینودخت، زمینه آشنایی ایرانیان با تمدن غرب، به نقل از عباس اقبال، ۱۳۴۶، ص ۴۴).

در زمان آقامحمدخان نفوذ روسیه در ایران روبه ازدیاد نهاد و سیاست خشن و دور از تدبیر این پادشاه، پیشرفت آن را روزافزون ساخت. کشتارها و ستمکاری‌های آقامحمدخان در گرجستان باعث شد که گرجی‌ها با همه سابقه تاریخی در ایران به طرف روسیه متوجه شوند که البته اشتراک مذهب و پیشرفت‌های روزافزون روسیه، این فکر را در آن‌ها تقویت می‌نمود. (رضوانی، محمداسماعیل، انقلاب مشروطیت ایران، ۱۳۵۲، ص ۳۳).

آقامحمدخان نیز مختصر تجربه‌ای در این رویارویی‌ها با روسیه در مورد ترقیات روزافزون اروپاییان کسب کرده بود چه از همان زمان قیام آقامحمدخان، چند تن از سپاهیان روس از مردم قرباغ و نخجوان که از ارتش روس خارج شده و به ایران مهاجرت کرده بودند برای تعلیم قشون ایران در اردوگاه قزوین مورد استفاده قرار گرفته بودند. اما تعلیمات نظامی اروپایی به علت کمی عده افسران معلم و انس و علاقه سپاهیان و خود آقامحمدخان به رسوم قدیم سپاهی‌گری، پیشرفت چندانی حاصل ننمود. (واتسون، رابرت گرنٹ، ترجمه مازندرانی، تاریخ ایران در دوره قاجاریه، ۱۳۵۴، ص ۲۵۹).

آقامحمدخان از درک مطالب و درس و سواد به کلی بی‌بهره بود و در زمان سلطنت خود میرزاها و نویسندگان را به تحقیر (فرنی‌خور) می‌خواند در این زمان خواندن و نوشتن و دانستن آن خلاف حیثیت خانی محسوب می‌شد و قلم به دست گرفتن و با کاغذ خود را مشغول داشتن کار فرنی‌خورهاست. به طور کلی فرهنگ، هنر، ادبیات، صنعت، علوم مفیده و جدید و هر آنچه به عنوان نشانی از پیشرفت و ترقی نامیده شود در دوره سلطنت آقامحمدخان قاجار این مرد مستبدتاریخ، روبه انحطاط گذارده و در این دوره شدت تعصبات بی‌مورد در اوج خود بوده و آثاری از تغییر فکر و پیشرفت ملاحظه نمی‌شود. (برزگر، مینودخت، زمینه آشنایی ایرانیان با تمدن غرب، ۱۳۴۶، ص ۴۰).